

بازتاب ساختار سیاسی اجتماعی بر روند سکونت توس کهن در اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلام

حسین کوهستانی اندرزی^۱
جواد نیستانی^۲

چکیده

شناخت از توس دوران اسلامی به ویژه از قرن چهارم تا هشتم ه.ق مطلوب است اما این اطلاعات در مورد توس دوره ساسانی و اوایل اسلام بخصوص در مورد تأثیرات ساختار سیاسی-اجتماعی بر مکانیت و مکان گزینی شهر بسیار مبهم و تاریک است در این پژوهش به منظور بررسی روندها و عوامل موثر در سکونت این شهر مهم دوران ساسانی و اوایل اسلام سعی شده است متون تاریخی معتبر، بررسیهای محوطه های ساسانی دشت توس و همچنین بررسی نظریات محققان معاصر مورد تأکید قرار گیرد با بررسی این منابع و مواد مطالعاتی میتوان نتیجه گیری کرد توس دوره ساسانی همانند توس دوره اسلامی از یک تمرکز شهری واحد برخوردار نیست و به همین خاطر مورخین و محققین نتوانسته اند تعریفی جامع از شکل و

استادیار گروه آموزشی باستان شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)،

hkoohestani@birjand.ac.ir

۲ دانشیار، گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، jneyestani@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

محدوده شهری توس در دوران مختلف ارائه نمایند از سویی ساختار معماری شهر با در نظر گرفتن حکومت کنارنگیان و حملات مداوم اقوام مهاجم شرقی تحت تاثیر معماری نظامی و تدافعی بود و به همین علت سوی سکونتگاههای عموم افراد استحکامات دفاعی ساخته میشد که نمونه آنها در دشت توس صید آباد و شهر خراب است با ورود مسلمانان به ایران، کنارنگیان با مسلمانان صلح و در نتیجه بسیاری از این قلعه‌ها در آغاز دوران اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد تا این که در قرن سوم و چهارم با شکل‌گیری تابران، محلهای استقرار کنارنگیان در دوره ساسانی متروک و شهرهای نوغان و تابران رونق می‌گیرد.

واژگان کلیدی: توس، کنارنگیان، ساسانی، اوایل اسلام، تابران.

۱. مقدمه

شناخت و آگاهی از وضعیت تاریخی و جغرافیایی هر منطقه باعث درک بهتر از سیر تحول تمدنی آن سرزمین از جمله روند شکل‌گیری شهرها و محوطه‌ها تاریخی و یا سقوط و نابودی آنها می‌شود. به تعبیری شناخت تغییرات تاریخی و جغرافیایی مناطق تاثیر مستقیم بر شناخت تغییر و تحولات تاریخی آن مناطق دارد خراسان نام سرزمین وسیعی در شرق و شمال شرق ایران است در این میان دشت توس با پتانسیل بالای شرایط زیستی منطقه ای بکر در مطالعات این دوران محسوب میشود که تا کنون مطالعه جامع و کاملی به منظور شناخت بهتر دوره ساسانی تا انتقال آن به دوره اسلامی صورت نگرفته است اطلاعات ما از توس دوره تاریخی اندک و محدود است نام این شهر به لحاظ تاریخی مشخصاً تا دوره ساسانی در متون و منابع ذکر نشده است چنان که اندک تحقیقات محققان معاصر در زمینه تاریخی، زبان‌شناختی و بررسیها و کاوشهای معدود باستان‌شناختی اطلاعات کم و ناقصی را از وضعیت منطقه توس در دوره ساسانی و اوایل اسلام فراهم کرده است در مقاله حاضر کوشش شده است تا با تکیه بر پژوهشهای کتابخانه‌ای و میدانی و با تاکید بر مطالعات و بررسیهای انجام شده به شناخت کاملتری از مهمترین شهرها و استقرارهای دوره ساسانی و اوایل اسلام دشت توس دست یابیم از این رو با توجه به رویکرد نظری تاریخ فرهنگی و بنا بر مطالعه انجام گرفته و شواهد متعدد معماری و تاریخی و نیز پژوهشهای زیست محیطی و ارتباطی در دشت توس این پژوهش به عنوان نخستین پژوهش مدون علمی در باب تاثیرات ساختار سیاسی و اجتماعی دشت توس در روند سکونت این شهر در اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلام انجام گردید هر چند در گذشته پژوهشهای باستان‌شناسی و

تاریخی در سطح دشت انجام شده بود اما معمولاً این پژوهشها بیشتر توس دوره اسلامی به ویژه قرون چهارم تا هشتم را در بر میگرفت چنان که بررسیهای سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی در دشت توس و مشهد عمدتاً بر روی دوره اسلامی متمرکز بوده است (لباف خانیکی، محمود بختیاری و دیگران: ۱۳۹۳) در سالهای اخیر نیز بررسیهایی توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی (طغرای: ۱۳۸۱؛ حسن آبادی: ۱۳۹۳) به منظور شناخت بهتر دشت توس دوره ساسانی و صدر اسلام انجام شده است که منجر به شناسایی محوطه ها و تپه های متعددی از این دوران گردیده است اما همچنان مسایل مهمی همچون شناخت جایگاه و اهمیت دشت توس دوره ساسانی و بررسی و تعیین موقعیت مکان قرار گیری شهر توس کهن یا همان توس دوره ساسانی و صدر اسلام و تاثیرات ساختار سیاسی - اجتماعی در روند سکونت و یا ویرانی شهر در این بررسیها پاسخ داده نشده است.

۲. توس در دوره ساسانی و اوایل اسلام

در "بندش" نام توس هم بر شهر و هم بر کوه اطلاق شده است و در توصیف شهر مینویسد: "کاسه رود به شهر توس می آید و در آن جا آن را کَسَف رود می خوانند و یا دریاچه سَوَیر به ابرشهر بوم، بر سر کوه توس است" (بهار، ۱۳۹۰، ص: ۷۷ و ۷۶). در آبان یشت نام توس به عنوان یلی جنگجو آمده است (دوستخواه، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۰۷) قدیمی ترین منبع و ماخذی که از "توس" سخن می گوید، رساله پهلوی "شهرستانهای ایران" متعلق به دوره ساسانی است (هدایت، ۱۳۳۴: ۴۱۸-۴۱۹) همچنین بر پشت یکی از سکه های بهرام پنجم (۴۲۰-۴۳۸ م) نام این شهر دیده میشود (آورزمانی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). ضمن آن که ذکر متعدد نام آن در متون صدر اسلام بویژه در ماجرای فرار یزدگرد به شرق (الثعالبی، ۱۹۶۳: ۷۴۳؛ الدینوری: ۳۶۱ و ۳۶۳) از دلایل دیگر اهمیت این شهر تاریخی است.

مناطق شرق و شمال شرق ایران یعنی ناحیه ای که شهر توس در آن واقع شده است به علت حضور و حملات متوالی اقوامی مانند هونها، سکاها و هپتالیان معمولاً با آشفتگی و بی ثباتی نسبی همراه بود (سرمدی و پویان، ۱۳۸۴: ۵۳۰) چنان که بسیاری از شاهان ساسانی را مجبور به لشکرکشی و نبرد با اقوام مهاجم در منطقه شرق ایران نموده است به طوری که شاپور اول، شاپور دوم و بهرام پنجم در مناطق شرقی با اقوام مهاجم جنگیدند و آنان را مطیع خویش ساختند (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۱۵۱؛ رضایی، ۱۳۷۸: ۳۰۴) ضمن آن

که اقوام مهاجم مناطق شرقی حکومت ساسانی گاه بر علیه دولت مرکزی به حمایت از مدعیان تاج و تخت سلطنت می پرداختند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۳۳). در این میان دولت ساسانی گاه از راه تعامل و دوستی با این اقوام در می آمد (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۵۲). نکته قابل توجه آن که حافظ ابرو از مورخان دوره اسلامی در ذیل روستای آندرُخ از بلوک ولایت توس می آورد: "گویند حواریون عیسی در این موضع [=آندرُخ] بوده اند" (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۵۹). این باور دوره اسلامی مبنی بر وجود مسیحیت در منطقه توس باید از روزگار اسقف نشینی توس و نیشابور در دوره ساسانیان به یادگار مانده باشد چنان که از اسقف نشینی توس در دوره ساسانیان و شرکت اسقفهای این شهر در مجمع خلیفه گری « باثای » در دومین سال حکومت جاماسب (۴۹۹ م) سخن گفته اند (باسورث، ۱۳۷۸: ۲۰۱)

دشت توس و نیشابور دوره ساسانی دارای جایگاه مذهبی مهمی بوده اند چنان که آتشکده آذر برزین مهر یا همان آتشکده کشاورزان در کوههای ریوند نزدیک توس تا سال ۹۱ هجری روشن بودند (رجبی، ۱۳۷۵: ۲۱۰-۲۰۹). در خراسان نیز در قرون اولیه اسلامی آتش خانه ای بسیاری بوده از آن جمله آتش خانه ای در طوس، بخارا و در زوزن (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). اما مهمترین خبر توس دوره ساسانی با تصریح نام، در شاهنامه دیده می شود که ماجرای آن شرح مرگ مرموز یزدگرد اول در سال ۴۲۱ میلادی است. فردوسی محل وقوع حادثه را در کنار چشمه سو در نزدیکی شهر توس بر اثر لگداسبی می داند، گردیزی نیز مرگ یزدگرد را بدون ذکر مکان مشخص توسط اسبی میداند. (گردیزی، ۱۳۸۴: ۹۱). حمد الله مستوفی محل وقوع حادثه را نزدیک چشمه سبز در مغرب کوهستان های میان توس و نیشابور ذکر می کند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۴۱). اعتماد السلطنه چشمه سو را همان چشمه گیلان (گلسب) که یکی از سرچشمه های شرقی کشف رود است می داند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۲۱). اما تقی بینش می نویسد: " چشمه سبز با چشمه سو شاهنامه بیشتر شباهت دارد" (بینش، ۱۳۴۸: ۴۹ تا ۵۲). هر چند نولدکه قول فردوسی در مورد مرگ یزدگرد اول را مورد تردید قرار داده است و معتقد است: "اینک شاعر محل این واقعه را نزدیک شهر پدری خود توس می داند باید به حساب خودش گذاشته شود" (نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۷۵).

در زمان یزدگرد دوم تاخت و تاز اقوام کیدار و خیون باعث شد یزدگرد با تمرکز سپاهیان خود در نیشابور آنان را مجبور به عقب نشینی تا صحراهای ماوراءالنهر کند پیروز

نیز در دوره سلطنت خود چندین بار بر اقوام هپتالی غلبه کرد اما یکی از جنگها با گروگان گرفتن قباد پسر پیروز همراه بود. در جنگی که پیروز برای آزادی فرزندش داشت شکست خورد و هیاطله تا هرات و مرو رود پیشروی کردند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۵۹). در زمان خسرو انوشیروان و با ضعف دولت هیاطله قلمرو این دولت بین ایران و خاقان ترک با قرار دادن رود جیحون به عنوان مرز تقسیم شد اما مجدداً در دوره حکومت هرمزد مرزهای شرقی کشور توسط طوایف بدوی نواحی جیحون مورد هجوم قرار گرفت. در سالهای ۶۱۷-۶۱۶ م مرزهای خسرو پرویز مرزبان سابق خراسان، ورکان را به حمایت بسطام مرزبان آن زمان خراسان فرستاد و او توانست نیروهای کوشانیان را از خراسان عقب براند و سپس در ایالت توس در استان ابر شهر اردو بزند (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۱۳۴-۱۳۵). این هجوم و حملات اقوام بدوی و آشفتنگی و بی ثباتی مرزهای سیاسی خراسان تا پایان دوره ساسانی همواره با شدت و ضعف ادامه داشت تا این که فتوحات مسلمانان آغاز شد و اعراب مسلمان توانستند به سال ۳۱ ه. ق ابر شهر، ایبورد، نساء، سرخس و توس را برخی به جنگ و برخی به صلح فتح کنند (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۶۰). نکته مهمی که در طول تاریخ دوره ساسانی شهر توس و حتی سالها پس از حضور اعراب و مسلمانان در این شهر قابل توجه و تأمل است این است که به حاکمانی که در توس و نیشابور حکومت می کردند اصطلاحاً کنارنگ می گفتند. (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۶۰؛ ابن خردادبه: ۳۹؛ الثعالبی، ۱۹۶۳: ۷۴۳؛ fraye, 1975: 9-13 و شاهنامه چاپ مسکو، جلد نهم: ۴۳۲). فردوسی ماجرای پناه بردن یزدگرد به کنارنگ توس را این گونه روایت میکند

یکی نامه بنوشت دیگر به طوس پر از خون دل و روی چون سندروس

(شاهنامه، چاپ مسکو، جلد نهم: ۳۳۹).

پس اکنون زبهر کنارنگ طوس بدین سو کشیدیم پیلان و کوس

(همان: ۴۳۲).

منابع تاریخی از حضور پر رنگ کنارنگیان یا همان حاکمان شهر توس در عرصه سیاسی و اجتماعی عصر ساسانی و آغاز اسلام خبر می دهند (الثعالبی، ۱۹۶۳: ۷۴۳؛ الدینوری: ۳۶۱؛ بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۶۰؛ ۱۶۵۷).

اطلاعات ما از سه قرن اول دوران اسلامی در توس بسیار مبهم و پراکنده است اما پس از آن این شهر در طول دوره اسلامی از شهرهای مهم خراسان و شامل چهار ناحیه یا

بخش عمده به نامهای نوغان، تابران، رادکان و ترغبذ بوده است (تصویر شماره ۱) چنان که مؤلف کتاب حدود العالم الی المشرق الی المغرب در سال ۳۷۲ ه.ق می نویسد: "توس ناحیتی است و اندر وی شهر کهاست چون طوران یا طابران، نوقان، بروغون، رایگان، بنوازه و اندر میان کوههاست....." (مؤلف نامعلوم، ۱۳۶۲: ۹۰). و مقدسی در سال ۳۷۵ ه.ق از طابران به عنوان بزرگترین شهر توس نام می برد (المقدسی، ۱۴۲۴: ۲۴۶) بررسی ابهامات در شهر نشینی توس اواخر ساسانی و اوایل اسلام با معرفی دو دژ تاریخی صیدآباد و شهر خراب در سال ۱۳۹۳ به عنوان بخشی از شهر نشینی دشت توس دوره ساسانی و اوایل اسلام وارد مرحله تازه ای شد که به بررسی این دو محوطه تاریخی با تاکید بر بررسی و تحلیل ساختار اجتماعی - سیاسی توس اواخر ساسانی و اوایل اسلام بر روند سکونت در این دشت میپردازیم.



تصویر ۱: ارگ شهر تابران پس از کاوش و مرمت (عکس از نگارنده)

۳. توصیف و بررسی معماری محوطه تاریخی صید آباد و شهر خراب

محوطه تاریخی صید آباد در فاصله یک کیلومتری روستایی به همین نام در ۱۵ کیلومتری شمال غربی مشهد واقع شده است. محوطه دارای ابعادی به طول و عرض ۷۰۰ در ۷۰۰ متر مربع با پلان مربع شکل و ۴۹ هکتار وسعت می باشد اعتماد السلطنه در دوره قاجاریه توصیف کلی از محوطه که وی آنرا چمن قهقهه می نامد ارائه می دهد و می نویسد: "در

حوالی چمن قهقهه قریه ایست موسوم به قریه قهقهه و قلعه خرابه نیز دو طرف مشرق چمن است که طول آن ششصد ذرع (۱۰۴سانتیمتر) و عرض پانصد و هشتاد و پنج ذرع می باشد این قلعه را چهار دروازه می باشد. " (اعتماد السلطنه ، ۱۳۶۲ : ۲۸۵) قهقهه در اصل عنوان عامی برای دژها و قلعه های مرکزی شهرها بوده است (سیدی ، ۱۳۸۳ : ۳۹۵). مصالح عمده تشکیل دهنده حصار آن خشت وچینه است توصیف اعتماد السلطنه از خشتهای به کار رفته در محوطه تاریخی صیدآباد با خشتهایی امروزی محوطه از لحاظ ابعاد مطابقت دارد(اعتمادالسلطنه ، ۱۳۶۲ : ۲۸۵).هیچگونه آثار معماری در حال حاضر در داخل حصارهای شهر تاریخی صید آباد دیده نمی شود و تمام سطح ۴۹ هکتاری این محوطه تاریخی به اراضی مزروعی تفکیک شده است که در آن کشت و زرع صورت می گیرد(تصویر شماره ۲). اما محوطه تاریخی شهر خراب در ۴۵ کیلومتری شمال غرب شهرستان مشهد و در ۵ کیلومتری شهر چناران و در سمت راست جاده ترانزیتی مشهد به چناران واقع شده است این محوطه اولین بار در فروردین ماه ۱۳۹۰ توسط کارشناس سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی شناسایی و معرفی شد(حسن آبادی، ۱۳۹۳). محوطه تاریخی شهر خراب در میان اراضی کشاورزی مستعدی قرار گرفته است و از حاصلخیزترین مناطق دشت توس، اراضی کشاورزی این روستا می باشد(قنبری، ۱۳۸۱ : ۱۷). محوطه دارای یک پلان مربع شکل با حدود ۴۹ هکتار وسعت می باشد(تصویر شماره ۳). ابعاد طولی در هر ضلع به صورت یکسان رقم ثابت ۷۰۰ را نشان می دهد و ضخامت دیوارها به طور میانگین بین ۵ تا ۸ متر بدون احتساب آسیبهای وارده است. در گزارش سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی از این محوطه به عنوان شهر توس دوره ساسانی یاد شده است(حسن آبادی ، ۱۳۹۳).



تصویر ۲: نمای کلی محوطه تاریخی صیداآباد منبع google earth



تصویر ۳: عکس هوایی محوطه تاریخی شهر خراب منبع google earth

۴. بررسی و تحلیل دژها و استحکامات دفاعی شهری در نواحی شرقی

اطلاعات از شهرها و ساختار شهری دوره ساسانی به ویژه در نواحی شرقی بسیار محدود و ناچیز است. از بسیاری شهرهای ساسانی که در کتب جغرافی نگاران و مورخان دوره

اسلامی یاد شده هیچ رد و نشانی نیست و بررسی و حفاریهای اندک باستان شناسی نیز نتوانسته پاسخگوی کشف مسائل کامل مربوط به سیستم شهر سازی هر یک از آنان باشد (مهر افرین ، ۱۳۹۳ : ۱۹۸ و ۱۹۹). در دوره ساسانی بنای شهرهای جدید تنها ویژه نواحی غرب کشور نبود بلکه در استانهای شرق و شمال شرق ایران نیز شهرهایی ساخته شد در استانهای مذکور نیز شهرها به صورت مراکزی در آمدند و پایگاهها و دژهایی گرد آنها بنامشد (پیگولو سکایا ، ۱۳۸۷ : ۲۲۸). استعمال ویژگیهای شهر، درباره همه شهرها به صورت یکسان به کار نرفته است اختلافات به اندازه ای است که گاه برخی جغرافیدانان دوران مختلف در تشخیص موقعیت شهری یا غیر شهری یک استقرار گاه باز مانده اند (یوسفی فر ، ۱۳۹۰ : ۵۵). متون تاریخی و علمی که وقایع و حوادث توس و دیگر شهرهای نواحی شرقی را شرح داده اند نام توس را گاه با پیشوند شهر (الثعالبی ، ۱۹۶۳ : ۷۴۳). و گاه بدون آن (شاهنامه، چاپ مسکو، جلد نهم: ۳۳۹) و یا حتی به صورت ایالت به کار برده اند (مار کوارت، ۱۳۷۳ : ۱۳۴-۱۳۵). توس دوران اسلامی نیز در دوره های معین تاریخی و متناسب با گستره جغرافیایی و جایگاه سیاسی اش با عناوین " شهر " ، " ابن بطوطه : ۴۰۰). " ایالت " (مار کوارت، ۱۳۷۳ : ۱۳۴-۱۳۵) ، " ناحیه " (celebi ، 2008 : 318). " کوره " (اصطخری، ۱۳۶۸ : ۲۰۳). " قصبه " (حافظ ابرو ، ۱۳۷۰ : ۵۹). ولایت " بلد " ، " قطعه " ، " مصر " ، " بلوک " (مطلع الشمس ، ۱۳۶۲ : ۱۹۹ و ۲۰۰). یاد شده است بنابراین در طول دوران تاریخی و اسلامی تعریف مشخصی از این شهر در قالب عرصه و حریم بین محققین و مورخین نبوده است این اختلاف آراء می تواند نتیجه آن باشد که محدوده جغرافیایی و جایگاه سیاسی توس در دوره های مختلف تاریخی تغییر می کرده است مواقعی که نتوان به ضرس قاطع گفت سخن از یک استقرارگاه در میان است یا یک شهر، تردیدها و ابهاماتی در بررسی موضوع به وجود می آورد (یوسفی فر ، ۱۳۹۰ : ۵۱).

در اواخر دوره ساسانی واژه شهر بیشتر برای شهرهای مرزی کاربرد داشت چون شهرهای مرزی نقش سپر تدافعی را ایفاء می کردند اهمیت بیشتری داشتند (آورزمانی ، ۱۳۹۴ : ۵۹) با تشکیل دولت هیاطله ، ایران ساسانی میان دو دشمن شرقی و غربی قرار گرفت که ضرورت دفاع در برابر هر کدام ، وجود شهرها و دژهای مرزی این دوره را

توجیه می‌کند (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۱۶) چنان که ثعالبی در ماجرای فرار یزدگرد به شرق از قلعه ای مستحکم در شهر توس سخن به میان می‌آورد (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۷۴۳) نمونه چنین دژها و قلعه هایی در سالهای پایانی دوران ساسانی و آغاز دوران اسلامی در منطقه مرو و اطراف آن مانند گئور قلعه، ارک قلعه، عبدالله خان قلعه، قیز قلعه بزرگ و کوچک، سلطان قلعه، قلعه شهریار پدید آمد (مهر آفرین، ۱۳۹۳: ۱۲۲) که با نام قلعه های فتودالی خوانده شده است و با سیستم فتودالی و اشرافی نواحی شرقی دولت ساسانی انطباق دارد (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۱۴۸) به طوریکه مرو دوره ساسانی یکی از همین قلعه ها بوده است که امروزه قلعه گبر کالا خوانده می‌شود (سیدی، ۱۳۸۳: ۴۲۴) موقعیت خاص شهر مرو این شهر را به عنوان یک پایگاه نظامی و جایگاه مرزبانان ایران و مرکز استحکامات نظامی ساسانی مطرح کرده بود (ورهرام، ۱۳۷۲: ۶۰). از نوشته های مولفان باستانی بر می‌آید به هنگام هجوم اعراب دو مرو وجود داشت مرو بالا و مرو پایین و در زمان ایرانیان و اعراب هم مرو بالا را برای تشخیص از مرو پایین (بزرگ) مرو رود که به عربی مروالرود شده می‌خواندند (سیدی، ۱۳۸۳: ۵۰۱) شاید یزدگرد سوم به علت وجود همین استحکامات فوق العاده نواحی شرقی مانند نیشابور، توس و مرو را که تحت حکومت کنارنگیان یا مرزبانان بود به عنوان آخرین گزینه نجات در برابر حملات اعراب انتخاب کرد.

در کتیبه سرخ کتل افغانستان متعلق به دوره کوشانیان متنی وجود دارد که به وضوح از ساخت حصارها و دژهای مستحکم توسط حاکمان محلی یا همان کنارنگ خبر می‌دهد متن کتیبه بدین شرح است: "کنارنگ پیرامون دژ را استوار ساخت که به هنگام هراس از دشمن خدایان را از جایگاه خویش تکان ندهند و دژ را ترک نگویند". (حبیبی، ۱۳۴۲: ۱۳۴). همچنین می‌توان به مکتوبات طبقات ناصری اشاره کرد که می‌نویسد "تا عصر غوریان قلعه ای بین غزنه و بامیان واقع بود (منهاج الدین عثمان بن سراج الدین، ۱۳۴۲، ج ۱: ۴۰۹). که مولف تاریخ افغانستان معتقد است مردم به آن حصار کنارنگ می‌گفتند (حبیبی، ۱۳۶۷: ۵۱۹). در تاریخ دوره ساسانی نیز به این استحکامات دفاعی مانند دژ پایکند (آوازه) که در واحه بخارا بود برمی‌خوریم (آورزمانی، ۱۳۹۱: ۴۷) نمونه این دژها و قلعه ها به طور مداوم تا اواخر دوره قاجاریه در مناطق مختلف خراسان ساخته شده است چنان که هنوز مردم خراسان به جای واژه روستا از نام قلعه استفاده می‌کنند همین نوع معماری دفاعی مستحکم در نقطه مقابل قلمرو ساسانیان در شرق یعنی کوشانیان نیز دیده می‌

شود (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۳۴). که بخش عمده مصالح معماری این محوطه ها را خشت تشکیل می دادند (بلیتسکی، ۱۳۷۱: ۱۸۷) که همین مصالح در معماری شهر خراب نیز به کار رفته است. آنچه مسلم است ساختار شهرهای نواحی شرقی مانند توس، مرو و نیشابور با حاکمیت کنارنگیان یا همان مرزبانان (اسدی، ۱۳۵۶: ۱۶؛ اوبهی هروی، ۱۳۶۵: ۲۸۶-۳۰۶؛ حمزه اصفهانی، ۱۹۷۸: ۲۸۵؛ Mackenzie, 1971: 49. Bartholome، 1979: 456). به شدت تحت تاثیر شرایط امنیتی منطقه قرار داشته است حصارهای بلند شهرهای مرو و بخارا گواهی بر این ادعاست (ورهرام، ۱۳۷۲: ۵۹) برای جلوگیری از تهاجم اقوام بیگانه در شمال شرق و شرق، شاهان ساسانی را وادار کرد مبادرت به ساخت شهرهای مستحکمی نمایند که نخستین و مهمترین نقش آنها تامین امنیت در نواحی مرزی و پیشگیری از تهاجم اقوام بیگانه به درون کشور بود (مهر افزین، ۱۳۹۳: ۷۱ و ۷۲).

۵. نقش و تاثیر مسایل امنیتی و اقتصادی در طراحی، ساخت و کاربری استحکامات دفاعی

سرمایه گذاری در زیر ساختهای امنیتی نواحی شرقی جذابیت بسیاری برای دولت داشت و ساخت دژها و قلعه های تدافعی و حصارهای مستحکم مانند استحکامات شهری در این نواحی را توجیه می کرد (مهر افزین، ۱۳۹۳: ۷۱ و ۷۲) در اواخر این دوران اشراف زمین دار غالباً در قلعه هایی به شکل دژ و پادگانی مستحکم که تا هشتصد نیروی نظامی در آن مستقر بودند سکونت داشتند و تامین معاش نیروی نظامی این قلعه ها بر عهده مردمی بود که در مواقع خطر به قلعه پناه می بردند (آنهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۱۶۴ و ۱۶۵). نمونه چنین قلعه های دفاعی در تمامی آسیای مرکزی قبل از فتوحات اعراب با اندک تفاوتی در طرح و نقشه بر حسب محل وجود دارد که به آن عنوان "مزرعه قصرهای" اربابهای روستایی داده اند که در مجموع از یک شکل کلی و یکسان برخوردارند (بلیتسکی، ۱۳۷۱: ۱۷۴). معماری محوطه های صیدآباد و شهر خراب نیز از یک طرح و شکل یکسان و شبیه به هم برخوردار است و پیشرفت و گسترش آنها تدریجی و مرحله ای نبوده و الحاقاتشان محدود به برخی دیوارهای تقویتی حصار بوده است و ساختار آنها با حصارهای قطور و مرتفع یک ساختار کاملاً امنیتی و دفاعی می باشد هر دو محوطه از لحاظ مرغوبیت زمین (قنبری، ۱۳۸۱: ۱۷) و دسترسی به منابع آبی جهت کشاورزی شرایط بسیار مساعدی را دارند و این بیانگر آن است که از این محوطه ها در زمان صلح به عنوان مزرعه کشاورزی استفاده می کردند چنان که بسیاری از فرمانداران و مالکان بزرگ زمینها نیز به جای سکونت در شهرها در املاک خود و در مواضع مستحکمی که در آن جا بنا کرده

بودند می ماندند(جوادی ، ۱۳۸۰ : ۳۱۴ و ۳۱۵). حکام و فئودالها در این دوران ناحیه حکومتی و اراضی خود را به منزله تیول خویش می پنداشتند و در نتیجه هر ناحیه به شکل مجموعه ممالک کوچکی در آمد(Ghirishman ، 1961 : 309-310) حضور همیشگی فرمانداران اشراف در سرزمینهای واگذار شده از سوی دولت ساسانی و سلطه آنها بر همه منابع تولید سبب شده است تا بسیاری از مستشرقین و پژوهشگران این دگرگونیها را به عنوان ورود ایران به دوره فئودالی در مفهوم اروپایی آن تلقی کنند(حبیبی ، ۱۳۷۵ : پی نوشت ۳۰). ظهور اشکال مشروط در امر مالکیت اراضی ، اجاره دراز مدت زمین ، وابستگی کشاورزان به اراضی مزروعی نموداری است از ظهور فئودالسیم در ایران. گسترش شهرها و افزایش شماره آنها خود نموداری از بروز شکل تازه ای از مناسبات فئودالی است در شرق مناسبات فئودالی با انحطاط شهرها همراه نبود فئودالسیم شرق در شرایطی پدید آمد که شهرها همچنان از اهمیت پیشین برخوردار بودند(پیگولوسکایا ، ۱۳۸۷ : ۲۵۴).

عرب‌نهادی اجتماعی و ساختار شهری توس کهن (اواخر دوره ساسانی و انتقال به دوران اسلامی)
وجود گروههای مختلف قدرت در توس اواخر ساسانی مانند کنارنگیان ، مرزبانان و دهقانان، وجود سیستم تمرکز قدرت در دژها و قلعه های متفاوت را تقویت می کند حکومت مرکزی نیز در دو بعد نظامی و اخذ مالیات به فئودالها و مالکان بزرگ وابستگی و پیوستگی داشت(جوادی ، ۱۳۸۰ : ۳۱۵). گرویدن سریع طبقات حکمران و جامعه فئودالی شرق (کنارنگیان ، مرزبانان و دهقانان) به اسلام و انتقال آرام قدرت باعث شد سازمان طبقات اجتماعی در دوره اسلامی کمتر دچار تغییر شود(اشپولر، ۱۳۷۳ : ۳۸). پس از توقف فتوحات اعراب وضع اجتماعی چندان تغییری نکرده بود. در این نقاط خانه ها به دهقانان تعلق داشت و منصب مرزبانی با ایرانیان بود و پذیرش اسلام از طرف طبقات بالا به خاطر حفظ موقعیت اجتماعی خویش و حفظ تسلط بر رعیتها و جمع آوری مالیات از کشاورزان صورت می گرفت(الخطیب ، 1975م : ۶۱-۶۲). به واقع نخبگان ایرانی شامل مرزبانان و حاکمان محلی ، خاندانهای بزرگ اشراف و سرانجام دهقانان هیچ تمایلی برای حمایت از دولت ساسانی و رویارویی با مسلمانان نداشتند و در طی نسلهای متعدد خود را به عنوان امرای مستقل نگاه می داشتند ضمن آن که عربها سعی می کردند همه چیز را تا آنجا که ممکن است در سرزمینهای فتح شده به همان حالت سابق نگه دارند که در رأس این

اتفاقات می توان به ادامه حکومت مرزبان توس (بر اساس معاهده صلح) اشاره کرد(نولدکه ، ۱۳۷۸ : ۴۷۳ و ۴۷۴).

با حفظ قدرت این گروهها در نتیجه صلح با مسلمانان نه تنها این روند در آغاز دوران اسلامی ادامه پیدا کرد بلکه حضور گروهی جدید به نام اشراف و منتفدین عرب در منطقه این سیستم جامعه طبقاتی اواخر دوره ساسانی را تقویت کرد در دوره حکومت بنی امیه جامعه خراسان به دو قطب تقسیم می شد در یک قطب اشراف عرب ، نجیب زادگان ، دهقانان ایران و مرزبانان(کنارنگیان) و در قطب دیگر اعرابی که با ساکنان محلی آمیخته و مردم (خراسان جدید) قرارداداشتند(الخطیب ، ۱۹۷۵م : ۶۶). و چون مسلمانان در نواحی متصرفه پایگاهی برای استقرار نیروهای خود نداشتند بنا به ضرورت می توانستند از این دژها و قلعه های فتودالی اواخر ساسانی به عنوان پادگاههای نظامی استفاده کنند به واقع سیاست مسلمانان برای استقرار در مناطق مفتوحه مبتنی بر برپایی اردوگاههای نظامی و کوچ قبایل بود(صالحی ، ۱۳۸۸ : ۲۰۶ و ۲۰۷). در میان نجبای بزرگ مالک زمین در سرزمینهای آباد نیز کسانی بودند که دژهای مستحکم داشتند و یک یک تسلیم عربها شدند(نولدکه ، ۱۳۷۸ : ۴۶۸ و ۴۶۹) آنها به شکل اردوگاههای نظامی در مناطق مختلف مستقر شدند و آن نقاط را " اجناد " یعنی لشکر گاه نامیدند و این پایگاهها مرکز سازماندهی نیرو و گسیل آن به مناطق جنگی بود. (معطوفی ، ۱۳۸۲ : ۲۷۷؛ صالحی ، ۱۳۸۸ : ۲۰۴) مسلما آشفتهگیهای اداره خراسان و رقابت میان فرمانده نظامی یا والی و مامورین گرد آوری مالیات در سکونت قبایل عرب در مشرق بی تاثیر نبوده است(اکبری ، ۱۳۸۸ : ۸).

فاتحان که از موطن و پایگاههای اصلیشان دور افتاده اند دارای نیروی اندک در برابر مردمان شهر بوده اند و علی رغم گشوده شدن شهر کهن این خطر همیشه وجود داشت که شورش توسط مردم علیه فاتحین صورت پذیرد (حیبی ، ۱۳۷۵ : ۵۲). مسلما این امر در مورد مناطقی با گرایشهای ملی گرایانه مانند منطقه توس امروزی (شاهنامه ، چاپ مسکو ، جلد نهم: ۴۳۶). شرایط حادثتری داشت به همین دلیل شاید نوغان برای عربها آشناتر و قابل اعتماد تر از شهر توسی بوده که کنارنگیان تا میانه سده دوم هجری بر آن سیطره داشته اند و اکثر مردمش ایرانی بودند(لباف خانیکی ، محمود بختیاری و دیگران ، ۱۳۹۳: ۱۶) و به همین دلیل در سده های بعدی نوغان به علت دفن هارون الرشید و سپس امام رضا(ع) فضایی خشک و مذهبی تر داشت(یعقوبی ، ۱۴۲۲ : ۹۳) و مردم تابران به عیاری پهلوانی و ایران دوستی مشهور بودند(اشپولر ۱۳۷۳ ، ج ۱ : ۲۴۰؛ حدود العالم من المشرق الی المغرب،

۱۳۶۲: ۹۰، ۶: ۶ و نیز سیدی، ۱۳۷۳: ۶ و ۴۷) مدارک سعیدی و کاوشهای باستان شناسی نیز نشان می‌دهد که در آسیای میانه فرمانروایان محلی فراوانی که در شهرهای کوچکی که هنوز گرایشهای ملی و حماسی در آن رواج داشت می‌زیستند (Frye, 1963: 295). چنان که فردوسی با میل و علاقه از یکی از این دهقانان به عنوان راوی و گوینده حماسه های ملی یاد می‌کند (نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۶۸) دهقانان قشری بودند که املاکشان از نجبای زمین دار کوچکتر و احتمالاً نماینده حکومت در میان روستاییان بوده اند (-112: 1994).
(13 Christensen)

بنابراین نگاه داشتن نیروی نظامی در محدودهٔ بلافصل شهرها مانند قلعه ها هم آمادگی برای سرکوب شورش را فراهم می‌آورد و هم اینکه حضور دائمی نظامیان فاتح در شهرهای قدیمی را که بالقوه می‌توانست تحریک کننده باشد منتفی می‌گردد (حیبی، ۱۳۷۵: ۵۲). به همین علت از دژهای نجبای دوره ساسانی که تسلیم عربها شده بودند به عنوان پادگان نظامی استفاده می‌شد رقابت و آشفتگی سیاسی در نتیجه رقابت میان مرزبانان و دهقانان در نواحی شرقی بعلاوه پرداخت جزیه و خراج و زمینهای مسکونی و کشاورزی که از سوی ایرانیان به اعراب فاتح باید واگذار میشد در سکونت پایدار قبایل عرب در شرق بی‌تاثیر نبوده است چنان که در سال ۶۵ تا ۶۸ ه.ق. توس بوسیله گروهی از قبیله بنو تمیم اشغال شد بعلاوه در متون اشارتی به حضور اعراب طی در توس نیز هست (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۹۳).

مطالعات محدوده شهر خراب و صیدآباد در دشت توس نیز نشان می‌دهد این قلعه ها پس از استیلای مسلمانان بر مناطق شرقی همچنان کار کرد تدافعی و یا کشاورزی خود را با محوریت فنودالیسم و نظامیان حفظ کرده اند و مورد استفاده عموم جهت سکونت نبوده است. اعتماد السلطنه اولین بار ایده دژ بودن را در مورد کارکرد محوطه صید آباد ارائه کرد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۸۵). بنابراین تمرکز دفاعی و تعریف شهری توس کهن در مجموع بر همین دژهای پراکنده در سطح دشت و یا بیرون از محدوده شهر تعریف می‌شد که برخی از آنها مانند صید آباد و شهر خراب به دلیل اهمیت و استحکام بیشتر باقی مانده اند نمونه های چنین قلعه های حفاظتی بیرون از شهر را یاقوت در دوره اسلامی از نیشابور، سعید آباد و عمادیه نام برده است (معطوفی، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

۷. تأثیرات ساختار سیاسی و اجتماعی دوران اسلامی در روند ویرانی شهر توس کهن

پس از سقوط ساسانیان هیچ گاه منطقه خراسان و ماورالنهر از یک ثبات لازم برخوردار نشد قیامها و جنبشهای متعدد در منطقه توس و خراسان در آغاز قرن دوم هجری منجر به تبدیل این منطقه به کانون جریانهای مخالف و ضد اموی گشت (هروی ، ۱۳۸۳ : ۱۹۷). در حدود سال ۱۳۰ هجری ابومسلم خراسانی به حمایت از عباسیان برخاست و سردار او "قحطبه" در تعقیب " نصر بن سيار " والی اموی خراسان و پسرش " تمیم " توس ، نیشابور و سپس قومن رادر دست گرفت (طبری ، ۱۴۰۷ ه ق ، ج ۴ : ۱۸۱) منابع از توس به عنوان پایگاه تمیم یاد می کنند و پیداست که این منطقه هنوز نقش نظامی خود را تا این زمان حفظ کرده بود (قوطانیان ، ۱۳۴۱ : ۶؛ اشپولر ۱۳۷۲، ج ۱ : ۲۷) توس کهن در یکی دو سده حیات خود بعد از اسلام نقش مهمی در سرنوشت ایرانیان داشت با استقرار حکومت عباسی و تمرکز قدرت در خراسان ، توس کهن هم از این دگرگونیها بی نصیب نماند و دولت به منظور نظارت امنیتی بیشتر بسیاری از قلعه ها و دژهای نظامی را صرفا به فعالیتهای کشاورزی تغییر کارکرد داد (الخطیب ، م ۱۹۷۵ : ۵۸-۵۹). و دیوار مشخص متنفذین اعراب و اشراف ایرانی و موالی ایشان را به هم ریخت و انحطاط شهر کهن توس یا محل استقرار کنارنگیان ، از همین زمان آغاز شد این امر می تواند چند دلیل داشته باشد ظهور عباسیان تسلط کنارنگیان بر توس را بر چید و رونق بیلاق حکومتی سناباد و تحرک در نوغان بیشتر شد از طرف دیگر چند کشمکش پشت سر هم در خراسان و محدوده توس مانند قیام سناباد در خراسان و شورش ابو الخصبیب و خروج حمزه آذرک و رافع بن لیث که آثار خرابی آن به توس و نیشابور هم رسید و هم منطقه نوغان را به عنوان محل و حضور والیان و سران عباسی تقویت کرد (طرح تحقیقاتی توس در متون تاریخی ، ۱۳۷۴ : ۳۱ و ۳۲) ضمن آن که با ظهور عباسیان و رونق روز افزون مرو در سده دوم هجری ، نوغان که احتمالا همان بیلاق و مرکز حکومتی عربی توس بود و هم نسبت به شهر کهن توس ، به راه مرو نزدیکتر بود تقویت شد در نتیجه توس کهن در دوره حکومت عباسیان نقش مستقلی بازی نکرد حدودا در همین زمان است که شهر توس کهن برای همیشه از رونق افتاد و نوغان جای آن را گرفت هر چند هنوز در این زمان صرفا سخن از شهر توس است و از بخشهای مختلف آن مانند نوغان ، تابران ، رادکان و ترغبذ سخنی به میان نمی آید.

برخی متون ادبی بیانگر آن است توس کهن در قرون چهارم و پنجم هجری به طور کامل تخریب و خالی از سکنه بوده است (واژه نامهٔ بسامدی، بی تا: ۵۲ و ۸۸ رباعیات خیام، ۱۳۸۴: ۱۴۲). و این درست زمانی است که شهرهای تابران و نوغان رو به رشد و گسترش گذاشته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۱۹) از وضعیت نوغان، مانند دیگر مناطق توس تا قرن سوم ه. ق آگاهی زیادی در دست نیست و اخبار پراکندهٔ موجود در منابع نیز وضعیت روشن و مشخصی از نوغان در این دوران به دست نمی دهد. تا کنون تحقیقات باستان شناسی در محدودهٔ اولیه و اصلی نوغان صورت نگرفته و اطلاع دقیق و مستندی از نوغان سده های اول و دوم هجری به دست نیامده است کاوش باستان شناسی حریم حرم رضوی و بررسی محوطهٔ باستانی دستگردان در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب حرم مطهر نیز اگر چه اطلاعات ارزشمندی به ما داده، اما هیچ نشانه ای از رونق و شکوفایی این منطقه (نوغان) در سدهٔ اول هجری به دست نداده است (لیاف خانیکی، محمود بختیاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶) و در این فاصله زمانی در اخبار مربوط به توس، فقط از رویدادهای فتح و اخبار سیاسی ولایت توس یاد شده و از بخشهای این ولایت از جمله نوغان صحبت چندانی نشده است. (قصابیان، ۱۳۷۹: ۳۹) به نظر می رسد که پس از ویرانی شهر توس دوران ساسانی، نوغان در سدهٔ دوم یا احتمالاً در سدهٔ سوم هجری مرکز ولایت توس می شود اما به قرینه منابع تاریخی و بر اساس مطالعات باستان شناسی، تا حدود سدهٔ سوم هجری آثاری دال بر اقامت در تابران دیده نشده و منطقه ای که امروزه به شهر توس و فردوسی مشهور است قدمتی فراتر از سده های دوم و سوم هجری ندارد و مدنیت جدی و قابل توجه تابران از سدهٔ سوم به بعد آغاز می شود (طغریایی، محمود، اظهارات شفاهی و همچنین اطلاعات نگارنده از سه فصل کاوش باستان شناسی شهر توس از ۷۹ تا ۸۲). و اولین بار در سدهٔ سوم و چهارم هجری تابران در شماره شهرهای توس به شمار آورده شده است (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۹۳. مؤلف نامعلوم، ۱۳۶۲: ۹۰). و این بیانگر آن است با وجود رونق نوغان، توس کهن همچنان مورد استفاده بوده است

با توجه به متون تاریخی سده چهارم هجری ظهور جدی و درخشان تابران و مرکزیت آن در عرصه توس است. تابران که از حدود سده سوم باید در آن مدنیت ظاهر شده باشد در سده بعدی، مرکز ناحیه توس و مشهورترین شهرهای آن شد این گونه نوغان رونق گرفته در سدهٔ سوم، یک سده بعد جایش را به شهری نو ظهور داد که مساله کمبود آب با توجه به نوشته های مقدسی در این میان قابل توجه است (المقدسی، ۱۴۲۴: ۲۴۶-۲۴۷)

احتمالا نوغان نمی توانست مستعد وسعت و رونق زیاد باشد و موقعیت تابران برای تامین آب و رونق و آبادانی مناسبتر بود این مساله در چند سده بعد که تابران رو به فراموشی و ویرانی رفت مشهودتر است و برخی ضرورتها و توجهات مشهد(نوغان) را مرکز منطقه ساخت رخ می نمایاند و منابع آب تابران ناگزیر به مشهد منتقل شد از طرفی دیگر شاید با ویرانی و فراموشی توس کهن ، جمعیت ایرانی منطقه ، نوغان را که وجه عربی اش غالب بود ، مناسب سکونت نمی دانستند و به این ترتیب در میانه توس کهن و نوغان ، تابران متولد شد.

۸. نتیجه گیری

شهر توس یک واقعیت عینی جغرافیایی دوره ساسانی و صدر اسلام است اما آنچه از مفهوم شهر در دوره ساسانی در مناطق غربی و جود دارد با مفهوم و شکل آن در مناطق شرقی متفاوت است چنان که حتی منابع و متون تاریخی و علمی نتوانسته اند در مورد واژه ای که بتواند منطقه توس را بیان کند به اتفاق نظر برسند مسلما مناطق شرقی مانند مرو ، نیشابور و توس با تسلط کنارنگیان یا مرزبانان به علت مجاورت با حکومتهای شرقی مانند کوشانیان به شدت تحت تاثیر مسایل امنیتی بوده است به همین علت سرمایه گذاری در زیر ساختهای امنیتی مناطق شرقی برای دولت ساسانی جذابیت فراوانی داشت از سوی دیگر به علت تعدد افراد و مراکز قدرت در مناطقی مانند توس اجماع همه آنها در یک مکان مشخص و سپس مدیریت آن میسر نبود در نتیجه دژها و قلعه هایی با سکونت حاکمان و قدرتمندان محلی مانند صید آباد و شهر خراب شکل گرفت که علاوه بر جنبه اقتصادی و حفاظت از مرزها و افراد ساکن منطقه به دولت نیز در تامین مالیات و نیروی نظامی جهت سرکوب حکومتهای مناطق شرقی کمک می کردند با شروع حملات مسلمانان به مناطق شرقی حاکمان توس با مسلمانان پیمان صلح بستند و در نتیجه جابجایی در انتقال قدرت در منطقه صورت نگرفت ضمن آن که با حضور قشر جدیدی به نام اشراف عرب سیستم فتووالی جامعه تقویت شد و همین دژها و قلعه ها به منظور سکونت اعراب در منطقه ای مانند توس با گرایشهای ملی گرایانه مکان مناسبی به شمار می رفت چنانکه منابع صدر اسلام از توس به عنوان پایگاه نظامی یاد می کنند و پیداست که این منطقه هنوز نقش امنیتی خود را تا این زمان حفظ کرده بود . توس کهن با سیستم دوره ساسانی خود در یکی دو سده بعد از اسلام نیز به حیات ادامه داد با استقرار حکومت عباسی و تمرکز قدرت در خراسان توس کهن هم از این دگرگونیها بی نصیب نماند و دولت به منظور نظارت امنیتی

بیشتر بسیاری از قلعه‌ها و دژهای نظامی را صرفاً به فعالیتهای کشاورزی تغییر کارکرد داد و در همین زمان است که شهر توس کهن برای همیشه از رونق افتاد و نوغان جای آن را گرفت هر چند هنوز در این زمان صرفاً سخن از شهر توس است و از بخشهای مختلف آن مانند نوغان، تابران، رادکان و ترغبذ سخنی به میان نمی‌آید تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی کوشیده است وضعیت تابران را در سه قرن اولیه اسلامی نیز مشخص سازد و نتایج این تلاش‌ها مشخص کرده است تابران قدمتی فراتر از سده دوم و سوم هجری ندارد و مدنیت جدی و قابل توجه تابران از سده سوم هجری آغاز می‌شود و احتمالاً ساکنان اولیه آن را مهاجرین شهر کهن توس تشکیل می‌دادند. تا بعدها مهد تدوین حماسه ملی ایرانیان را در سرزمینی که پایگاه دفاع از مهاجمین اسطوره‌ای توران و اقوام تاریخی ترک شمال شرق بود جاوید سازد و بستر مناسبی برای تابران و ظهور ایرانی‌گری فردوسی ایجاد کرد تا به زودی عرصه رونق فرهنگ ایرانی و مرکز پاسداری از زبان پارسی گردد.

کتابنامه

- ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه المسماه، تحفه الانظار من غرائب الامصار*، جمع و تلخیص ابن جزی، شرحه و کتب هوا مشه طلال حرب: بیروت دار الکتب العلمیه.
- ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله المعروف بابن خرداذبه، *المسالک و الممالک*، ویلیه بند من کتاب الخراج و صنعه الکتبه: یطلب من مکتب المثنی البغداد.
- ابی حنیفه احمد بن داوود الدینوری، *اخبار الطوال*، تحقیق عبد النعیم عامر، مراجعه الدكتور جمال الدین الشیال، قم، انتشارات الشریف الرضی.
- ابی منصور الثعالی (۱۹۶۳)، *تاریخ غرر السیر المعروف بکتاب غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*، تهران: مکتبه الاسدی.
- احمد بن ابی یعقوب بن واضح المعروف بالیعقوبی (۱۴۲۲ هـ)، *البلدان*، وضع حواشیه محمد امین ضناوی، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اسدی طوسی، حکیم ابو نصر علی بن احمد (۱۳۵۴)، *گرشاسب نامه*، تهران: به اهتمام حبیب یغمایی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری: انتشارات علمی و فرهنگی.

بازتاب ساختار سیاسی و اجتماعی بر روند سکونت طوس کهن ۱۹

اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸)، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم: انتشارات علمی و فرهنگی.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۸)، *مرآت البلدان*، تصحیح و حواشی دکتر عبد الحسین نوایی و میر هاشم محدث: انتشارات دانشگاه تهران
اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۲) *مطلع الشمس*، جلد های ۱-۳، چاپ اول: نشر پیشگام.

اکبری، امیر (۱۳۸۸)، "فتح خراسان و مهاجرت قبایل عرب به این سرزمین"، پژوهش نامه تاریخ، سال پنجم، شماره ۱۷.

آلتهایم. فرانس و روت استیل (۱۳۸۲)، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، مترجم هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اوبهی هروی (۱۳۶۵)، *فرهنگ لغات تحفه الحباب*، به تصحیح و تحشیه فریدون تقی زاده طوسی، نصر الزمان ریاضی هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

آور زمانی، فریدون (۱۳۹۱)، *جغرافیای تاریخی ایران زمین*، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.

باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۷۸)، *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، جلد اول و دوم، تهران: موسسه امیر کبیر.

بلیتسکی، آ (۱۳۷۱)، *خراسان و ماوراء النهر (آسیای میانه)*، ترجمه دکتر پرویز ورجاوند، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

بهار، مهرداد. ۱۳۹۰، بندهش، چاپ چهارم: انتشارات توس.

بیش، تقی (۱۳۴۸)، "طابران توس"، *یاد نامه ایرانی ولادیمیر مینورسکی*، (شامل مقالات تحقیقی مربوط به مطالعات ایرانی): انتشارات دانشگاه تهران.

پیگولو سکایا، ن (۱۳۶۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضا: انتشارات علمی و فرهنگی.

تقوی نژاد دیلمی، محمد رضا (۱۳۶۶)، *معماری شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*: انتشارات فرهنگسرا.

جواد، غلامرضا (۱۳۸۰)، *مدیریت در ایران باستان*: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حافظ ابرو (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ*، جلد دوم، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: حاج کمال سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای آن - تفکر و تأثر)*، انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، عبدالحی (۱۳۴۲)، *زبان دو هزار سال قبل افغانستان یا مادر زبان دری، تحلیل کتیبه سرخ کتل بغلان افغانستان، دولتی مطبعه، کابل: انتشارات انجمن تاریخ افغانستان.*

حبیبی، عبدالحی (۱۳۶۷)، *تاریخ افغانستان بعد از اسلام: نشر دنیای کتاب.*

حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲)، (مؤلف نامعلوم) به کوشش منوچهر ستوده: انتشارات کتا بخانه طهوری.

حسن آبادی، علی (۱۳۹۳)، *گزارش بازدید شهر خراب، موجود در آرشیو میراث فرهنگی میراث فرهنگی خراسان رضوی.*

حمزة اصفهانی (۱۹۷۸)، *شرح دیوان ابی نواس، ایلیا الحاوی، ضبط معانیه و شروحة الکلمات و اکلمها، بیروت: منشورات الشركة العالمية الکتاب.*

دوستخواه، جلیل (۱۳۸۹)، *اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات مروارید.*

رجبی، پرویز (۱۳۷۵)، *جشن های ایرانی، چاپ اول: نشر فرزین.*

رضایی، عبد العظیم (۱۳۷۸)، *گنجینه تاریخ ایرانیان، جلد هفتم، ساسانیان: انتشارات اطلس.*
زرین کوب، عبد الحسین (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران باستان (تاریخ سیاسی ساسانیان)*، تهران: انتشارات سمت.

سرمدی، محمد تقی و ناصر پویان (۱۳۸۴)، *دانشنامه شکنجه و کشتار شاهان، نخبگان و قدرتمندان ایران شاه کشی، کتاب اول: از آغاز تا پایان دوره ساسانیان، تهران: انتشارات سرمدی.*

سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۳)، *مرو یا باز سازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته های تاریخی و شواهد باستان شناسی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.*

سیدی، مهدی و دیگران (۱۳۸۳)، *فرهنگ جغرافیای تاریخی ترکمنستان (مرو، میهنه، نساء، خوارزم، فراوه، دهستان): انتشارات بین المللی الهدی.*

سیدی، مهدی (۱۳۷۳) "سیمای فرهنگی و مدنی توس" کتاب پاژ (ویژه نامه توس و فردوسی)، شماره ۱۳ و ۱۴: چاپخانه روزنامه قدس.

شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو (۱۳۷۴)، به کوشش دکتر حمید سعیدیان: دفتر نشر داد.

شمس الدین ابی عبدالله بن محمد بن احمد بن ابی بکر المقدسی (۱۴۲۴ق)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، علق علیه و وضع حواشیه محمد امین الضناوی، محمد علی بیضون، بیروت: دار الکتب العلمیه .

صالحی، کوروش (۱۳۸۸)، *در سرایش سقوط*، ناگفته های در گریه های مسلمانان با ایرانیان، مشهد: موسسه فرهنگی انتشاراتی ایران آزاد.

صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۵)، *جنبشهای دینی ایران در قرنهای دوم و سوم هجری*، تهران: انتشارات پازنگ.

طرح تحقیقاتی توس در متون تاریخی (۱۳۷۴)، *هیات کاوشهای باستان شناسی شهر توس*، گزارش منتشر نشده: موجود در آرشیو میراث فرهنگی خراسان رضوی.

عبدالله مهدی الخطیب (۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م)، *الحکم الاموی فی خراسان*، بغداد: منشورات موسسه الاعلمی بیروت .

قصابیان، محمد رضا (۱۳۷۹)، "سرگذشت نوغان (مادر شهر مشهد)" *نشریه خراسان پژوهی*، سال سوم، شماره اول.

قنبری، احمد (۱۳۸۱)، *جغرافیای شهرستان چناران*، مشهد: انتشارات جام آیدانا .

قوطنیان، سمبات (۱۳۴۱)، "طوس"، *نشریه فرهنگ خراسان*، س ۴، شماره ۱ و ۲. گردیزی، ابو سعید عبد الحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۸۴)، *زین الاخبار*، به اهتمام دکتر رحیم رضا زاده ملک: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

لباف خانیکی، رجبعلی و محمود بختیاری شهری و دیگران (۱۳۹۳)، *شناخت تابران* (توس): انتشارات آهنگ قلم.

مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه دکتر مریم احمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.

محمد بن الجریر الطبری (۱۴۰۷ هـ. ق - ۱۹۸۷ م)، *تاریخ الامم و الملوک*، جلد ۴: موسسه